

نامه مهندس بازرگان به روزنامه کیهان

در مورد سخنان آیت‌الله خزعلی

شورای محترم سردبیری روزنامه کیهان

در شماره مورخ ۲۲ مرداد اخیر آن روزنامه، در صفحات ۱ و ۲ شرحی از طرف آیت‌الله خزعلی عضو شورای نگهبان در ارتباط و با ذکر نام اینجانب درج شده بود که حاوی اهانت و مطالب خلاف حقیقت بود. اخلاق، انصاف و قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران به بنده حق می‌دهد از آن شورا درخواست نمایم توضیحات و پاسخ ذیل را در اولین شماره روزنامه کیهان برای دفاع مشروع شخصی و برای آگاهی مردم و روشن شدن حقایق چاپ نمائید.

جای بسی تأسف است که آقای خزعلی در مقام سخنگوی شورای نگهبان و در رد صلاحیت بنده برای ریاست جمهوری، به جای آنکه جواب منطبق و معقول منطقی به نامه محترمانه و مستدل مورخ ۶۴/۵/۱۷ نهضت آزادی ایران بدهند یا همانطور که پیشنهاد شده بود در مناظره تلویزیونی ادای دلیل و برهان و جدال احسن در محضر و منظر عام بنمایند، از برگزاری مجلس ترحیم آیه‌الله ثقفی در شهر قم سوءاستفاده کرده، به جوسازی پرداخته‌اند و با قلب و تحریف واقعیات یک سلسله حملات مغرضانه و اتهامات بی‌اساس در باره من بیان داشته‌اند.

در میان مطالب خارج از موضوع و خلاف حقیقت ایشان به ذکر چند مورد ذیل اکتفا می‌نمایم:

(۱) در رابطه با گروه منافقین یا مجاهدین خلق، پس از بیان مقداری خاطرات و جنایات که ارتباط با مسئله ریاست جمهوری و نهضت آزادی و شخص بنده ندارد، ادعا کرده‌اند که بنده گفته‌ام به «مسعود رجوی» رأی بدهید. این ادعا کذب محض و تحریف حقیقت بوده تطبیق با اطلاعیه‌ای که در این زمینه در سال ۵۹ مقارن با دور دوم انتخابات تهران داده بودم و خوشبختانه در روزنامه کیهان منتشر شده است، نمی‌نماید. همچنین خطاب «فرزندان من» که آن را همدلی و همگامی بنده با منافقین گرفته ذنب لایغفر شمرده و کافی برای سلب صلاحیت ریاست جمهوری دانسته‌اند، استنباطی غلط و بدون تردید برخلاف دستور اسلامی ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ می‌باشد. البته بنده در آغاز درگیریهای خشونت‌انگیز جوانان پرشور، در یک مقاله روزنامه میزان مورخ ۱۳۶۰/۳/۱۲ برای هر دو دسته مجاهدین و مکتبی‌ها عنوان «فرزندان من» را به کار برده بودم ولی نه آنکه ابراز ارادت به آنها و تأیید افکار و اعمالشان را نموده باشم. بلکه صریحاً نوشته بودم شما فرزندان ناخلفی هستید که با ستیزه‌جوییهای نابردارانه، هم خودتان را بیچاره و هلاک می‌کنید و هم پدر مملکت و والدینتان را در می‌آورید! به علاوه مگر پدر (تنی یا روحانی و تعلیماتی) کسی بودن و او را در مقام ملامت و دلالت به فرزندى خواندن سند مشارکت و مسئولیت در جرم می‌شود؟ یک فقیه خطیب دینی آیا باید استدلال و اظهاراتش چنین دور از منطق و تقوی باشد؟!!

(۲) با صراحت و بی‌پروائی فرموده‌اند «آقای بازرگان مگر شما نبودید گفتید هویدا را به فرانسه تحویل

میدهید، کسی که ۱۳ سال خون این ملت را شیشه کرد؟»

خوب است آقای خزعلی توضیح دهند که کی و کجا و به موجب کدام مدرک من چنین چیزی را گفته یا نوشته‌ام. در غیر اینصورت اعلام جرم علیه ایشان خواهم کرد.

(۳) «مجلس باید بسته شود»، از دیگر فرمایشات معظم له که کذب است.

حیف نیست که شخص معموری در کسوت روحانیت، با سوابقی طولانی در حوزه علمیه و با عنوان فقیه شورای نگهبان که کارش مطابقت و محافظت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، چنین سخن بی‌پایه‌ای به زبان آورد؟!

بلی، من در اختلافات شدید مابین اولین رئیس‌جمهور و اولین مجلس شورای اسلامی در مقاله‌ای نوشته بودم که وقتی میان دو مقام رسمی مملکت که هر دو قانونی و منتخب مردم هستند تضاد پیش آید برای حکمیت فیما بین و حل مشکل کشور چاره‌ای جز مراجعه به خود ملت و آراء عمومی وجود ندارد. آیا این حرف خلاف حق و منطق و مصلحت است و ضدیت با نظام جمهوری و به منزله بستن مجلس شورای اسلامی باید تلقی شود؟

(۴) «در باره ولایت فقیه گفتید من مجلس خبرگان را منحل می‌کنم».

خیلی فرق است مابین آنچه بنده گفته یا کرده باشم و آنچه ایشان گفته‌اند.

در سال ۱۳۵۸ که مدت قانونی مصوب و مجاز مجلس خبرگان به سر آمده بود این مسئله بنا به پیشنهاد عده‌ای در هیئت وزیران، که آقایان شورای انقلاب نیز در آن مشارکت داشتند، مطرح گردید و سپس با اکثریت سنگین آراء و به شرط مراجعه و تأیید امام تصویب شد که آن مجلس خاتمه یابد. ولی ایشان تصویب نفرمودند و با اختیارات خود دوره‌اش را تمدید کردند.

حال نمودنم چطور آقای خزعلی یک عمل علنی قانونی و مشروط به تصویب امام و یک نیت به اجرا در نیامده را گناه شرعی و عرفی به حساب آورده‌اند؟

(۵) تأیید کلام آقای نزیه مدیرعامل شرکت نفت که «گفته بود پیاده کردن احکام اسلام نه مفید است و نه ممکن».

باز هم یکی دیگر از اتهامات نسنجیده جناب آقای خزعلی! کجا و کی و بر طبق کدام مدرک بنده چنین گفته‌ام آقای نزیه در کانون وکلا را تأیید کرده‌ام؟ سی سال کتابها، سخنرانیها و تعلیمات بنده (از جمله کتاب بعثت و ایدئولوژی) و همچنین تأسیس نهضت آزادی ایران بر پایه عقاید اسلامی و به عنوان فریضه دینی، آیا کذب اظهارات ایشان را ثابت نمی‌کند؟

(۶) خلاصه بیان ایشان دائر به استعفای دولت موقت، پذیرفته شدن آن در اثر تسخیر لانه جاسوسی و جوش زدن بنده برای امریکا.

آیا بهتر نبود کسانی که اطلاع درست از قضایا ندارند یا مقید به صحت و دقت در کلام نیستند اظهار نظر نکنند؟

همانطور که در نشریه «دولت موقت و شورای انقلاب» آمده است قصد استعفای دولت موقت پانزده روز قبل از واقعه سفارت امریکا بوده است. دلیل آن نیز کارشکنیها و ممانعت‌هایی بوده است که علیه وزراء و متصدیان امور صورت می‌گرفته است. ما این وضع ناهنجار را به شورای انقلاب گزارش و مهلت داده بودیم که چنانچه احساس خطر و بروز فاجعه برای انقلاب و نظام می‌نمایند با ادغام و وحدت دولت و

شورای انقلاب، از هرج و مرج مملکت و دخالت مراکز تصمیم‌گیری متفرق، جلوگیری نمایند و چون این منظور علیرغم تأیید شورای انقلاب دچار تعلل و تأخیر شد، استعفای کتبی دولت با ذکر علل و جهات آن برای مقام رهبری ارسال گردید. معظم‌له با تقدیر از زحمات و خدمات گذشته دولت موقت و اینجانب استعفا را پذیرفتند. این جریان که تصادفاً مصادف با اشغال سفارت امریکا شد از هیچ طرف کوچکترین رابطه با مسئله گروگان‌گیری و جوسازیهای پیش‌ساخته آن نداشت. هیچگاه هم ما، که عمری در مبارزه با استبداد داخلی و استیلاهای خارجی استخوان خرد کرده و به عوض فحش و شعار، راههای معقول و مشروع مثبت و مؤثر را در پیش گرفته‌ایم و از توهین نهراسیده‌ایم، برای امریکا یا دولت بیگانه دیگری «جوش نرده‌ایم». جناب خزعلی که قاعدتاً معتقد به قرآن و متعهد به تقوی هستند باید از چنین افترای عظیم توبه نمایند.

۷) «راهپیمائی روز قدس که رادیوی اسرائیل آن را ۲ میلیون نفر اعلام کرد اما آقای بازرگان گفت ۵۰۰ هزار نفر شرکت کردند».

این اتهام داستان «خسن و خسین هر سه دختران معاویه بودند» را تداعی می‌نماید و حَقاً نباید در یک محفل مقدس تذکر و توسل به درگاه خدا اعلام شده باشد. واقعیت این است که یک هفته قبل از روز قدس، نهضت آزادی در اعلامیه‌ای از پیشنهاد نظرخواهی از مردم برای ادامه جنگ استقبال نموده و نوشته بود به فرض که در راهپیمائی مورد نظر صدها هزار نفر و حتی یک میلیون نفر جمع شوند دلیل علمی و قاطع بر تأیید و تصویب جنگ نمی‌شود، کما آنکه از طرف دیگر خیل ماشینها و سیل خانواده‌هایی که شبهای ماه مبارک رمضان به منظور فرار از خطرات بمباران‌های دشمن شهر را ترک می‌کنند ولو تعدادشان به حدود یک میلیون تخمین زده شود نمی‌تواند از نظر منطق آماری مبنائی برای مخالفت با جنگ محسوب گردد. بلکه بهتر است یک روز را هم به مخالفین اجازه و اختصاص دهند تا دو اجتماع را مقایسه کنند یا اصلاً به صورت آزاد و مخفی مراجعه به آراء عمومی شود.

پس چنین نبوده است که رادیو اسرائیل گفته باشد ۲ میلیون و بنده ۵۰۰ هزار نفر .

۸) «ما شما را معتقد به مبانی جمهوری اسلامی نیافتیم و شما مخالف ولایت فقیه هستید».

در تمام فرمایشات ایشان و پراکنده‌گوئیها این یکی تنها نکته‌ای است که تا حدودی می‌تواند ارتباط با قانون اساسی و با شرایط صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری داشته باشد. ولی استنادی است که اولاً انطباق با بنده پیدا نمی‌کند چون در پایان پرسشنامه چاپ وزارت کشور برای نام‌نویسی ریاست جمهوری اعلام داشته بودم که معتقد به اسلام، به قانون اساسی، و به ولایت فقیه، بر طبق مصرحات قانون اساسی هستم. ثانیاً خود شورای محترم نگهبان شرط اعتقاد و الزام عملی به ولایت فقیه را که در قانون انتخابات ریاست جمهوری تصویب شده بود زائد و خلاف قانون اساسی دانسته حذف کرده‌اند. حالاً معلوم نیست چطور آقای خزعلی همان را دلیل رد صلاحیت بنده گرفته‌اند.

۹) «این آقایان قبل از انقلاب می‌گفتند مگر می‌شود با امریکا جنگید و اکنون از اینکه بگویند مرگ بر امریکا می‌ترسند و توان آن را ندارند».

پایه‌گذاران نهضت آزادی و اینجانب سالها قبل از انقلاب اسلامی و دهها سال پیش از آنکه آقای خزعلی وارد میدان سیاست شوند و شعار بدهند گام در میدان مبارزه علیه استبداد داخلی و استیلای انگلیس و

امریکا گذارده نه تنها نترسیده بودیم بلکه می‌کوشیدیم کسانی را که به دلیل ترس یا جهل حاضر نبودند، به مشارکت در این مبارزه تشویق کنیم. ولی ما تنها راه مبارزه را شعار دادن نمی‌دانیم و معتقد بودیم و هستیم که با اتخاذ راههائی معقول و منطقی می‌توان دست دشمن را از دخالت در کشورمان کوتاه کرد. از آقای خزعلی می‌پرسیم آیا اگر صد برابر آنچه تا کنون علیه امریکا شعار داده‌اند شعار بدهند ولی با تصویب یا سکوت در برابر قراردادهای ننگ‌آوری همچون بیانیه الجزائر سرمایه‌های ارزی کشور را در اختیار امریکا بگذارند آیا به امریکا خدمت نموده‌اند یا خیانت؟ به نظر من استکبار جهانی به مراتب راضی‌تر است کسانی در گفتار مرگ او را بخواهند و در کردار با صرف منابع زیرزمینی کشور و خرید اسلحه کمبود ارزی امریکا و اذنباش را جبران و کشور ایران را بیش از پیش وابسته به خارج سازند.

(۱۰) «ملت عزیز ما خیلی سنگین و با وقار با شما رفتار دارند اما شما لجاجت به خرج ندهید چون می‌ترسم آینده تیره‌تری داشته باشید».

قسمت اول سخنان آقای خزعلی کاملاً صحیح است. ملت عزیز و حقشناس ایران همیشه با ما بسیار سنگین و با وقار رفتار کرده است. زیرا در این مدت چیزی جز صداقت و خدمت و حسن نیت، همراه با عشق و فداکاری ندیده‌اند و به همین دلیل علیرغم تبلیغات گسترده و ناجوانمردانه‌ای که در رسانه‌های عمومی دولتی و منابر و مجالس علیه ما جریان داشته و دارد همواره محبت و اطمینان خود را ظاهر ساخته‌اند. شاید همین امر موجب آن بوده است که شخص آقای خزعلی از قبول صلاحیت کاندیدای نهضت آزادی هراسان باشد. ما به فضل خدا و به شعور و تشخیص اکثریت ملت ایران اطمینان داریم، عزت و ذلت را از طرف خدا و در گرو اعمال خویش می‌دانیم و با اعتقاد به «والعاقبه للمتقین» امیدواریم که در راه انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر و خدمت باز نایستیم و به دلیل تهدیدها و اربابهائی که تا به حال چندین بار و تا حدودی به اجرا درآمده است، از مطالبه حق و حقیقت و از ارائه نظریات و مطالب خود به هموطنانمان خودداری ننمائیم.

(۱۱) آقای خزعلی گفته‌اند:

«شما گله دارید که چطور شد شما را حذف کردند و اگر قبول می‌شدید درب شورای نگهبان را می‌بستید و اگر اعضاء شورا هم موافقت می‌کردند اولین کسی که استعفا می‌داد بنده بودم».

من گله‌ای ندارم که چرا ایشان در باره رد صلاحیت و حذف من اصرار و لجاجت ورزیده‌اند اعتراض و انتقاد ما این است که چگونه شورای نگهبان قانون اساسی اصول ششم و پنجاه و ششم این قانون را زیر پا نهاده و با تأیید انحصاری نامزدهای حزب حاکم، حاکمیت را «در خدمت منافع گروهی خاص» قرار داده و اداره امور را از «اتکاء به آراء عمومی» محروم نموده است.

آیا اگر شورای نگهبان وظیفه اصلی حفاظت از قانون اساسی را فراموش کند خود به بی‌اعتبار شدن و تعطیل شورا کمک نکرده است؟

(۱۲) آقای خزعلی که با تحمیل و تهدید خواسته‌اند از مردم سلب آزادی و اختیار نموده حقوقی را که قانون به آنها داده است نادیده بگیرند، در لباس و لسان دین، گفته‌اند «قدم زدن برای رأی دادن به همان اندازه ثواب دارد که بین صفا و مروه قدم زده می‌شود و همه موظفیم به پای صندوقهای رأی برویم زیرا شرکت در این انتخابات عظمت اسلام و مسلمین... است». ایشان با چنین اظهارات و قرار دادن دیانت در

استخدام سیاست، مقام و موقعیت حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی را در انظار مردم و دنیا بالا نمی‌برند بلکه حج بیت‌الله و اسلام و اخلاص مردم را پائین می‌آورند. شورای نگهبان و روحانیت ایران را نیز از احترام می‌اندازند. مردم ایران در عین آنکه اکثریتشان معتقد و علاقمند به اسلام و خواهان اسلام بودند (و در اثر عملکرد دولتمردان و سیمای زشتی که به اسلام داده‌اند عده کثیری برگشته‌اند) انقلابشان به اعتبار اعلامیه‌ها، شعارها و راهپیماییهای پیش از پیروزی، بر ضد استبداد و برای رسیدن به اهداف سه گانه آزادی - استقلال - جمهوری اسلامی بود که بعضاً در عمل به محاق فراموشی سپرده شده است. در خاتمه، چه خوب بود آقای خزعلی به جای تکرار اتهامات و تهدیدهایی که بیش از شش سال است علیه دولت موقت، نهضت آزادی و شخص اینجانب جریان دارد، به اعتراضها و به مطالبی که در نامه نهضت به شورای نگهبان آمده است، پاسخ منطقی می‌دادند یا لااقل آن مطالب را در سخنان خود برای مردم و مطبوعات بازگو می‌کردند تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد. اگر چنین می‌کردند مسلماً عملشان به تقوی و عدالت نزدیکتر بود.

صفحات تاریخ از زورآزمایی زورمندان و از مقاومت و مظلومیت ستمکشانشان آکنده است. ولی آنچه امیدواری می‌دهد سنت الهی بر ناپایداری زور و استخلاف مستضعفان و بر تحقق وعده قرآنی حسن عاقبت تقوی‌پیشگان و نیکوکاران بنا شده است.

دعا و آرزوی نهضت آزادی و اینجانب آن است که ما و آقای خزعلی در هر مقام و موقعیت که باشیم وعده نویدبخش خدا را فراموش نکنیم.

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین

تهران ۲۳ مرداد ۶۴

مهدی بازرگان

رونوشت: دفتر امام خمینی

رونوشت: دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

رونوشت: اعضاء محترم شورای نگهبان قانون اساسی